



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۹۸	تاریخ	۱۴۰۴/۰۲/۰۶
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل بحث پیشین

بحث ما در فرض تخالف خبر و اصل عملی بود. پس از اتمام مباحث مربوط به توافق خبر و اصل، به فرض تخالف پرداختیم و صورت اول آن (خبر الزامی، اصل ترخیصی) بررسی شد. اکنون به صورت دوم تخالف می پردازیم که فرض خبر ترخیصی و اصل الزامی است.

مثال هایی برای این فرض ذکر شد:

۱. حکم دخول مسجد برای زنی که خون حیض او قطع شده ولی هنوز اغتسال نکرده است؛ خبر واحدی ممکن است بر جواز دلالت کند (ترخیصی)، در حالی که اصل استصحاب حرمت سابق، الزامی است.

۲. حکم آبی که متغیر به نجاست بوده و سپس تغییرش زائل شده است؛ خبر واحدی ممکن است بر طهارت و جواز استعمال دلالت کند (ترخیصی)، در حالی که اصل استصحاب نجاست سابق، الزامی است.

در این فرض، باید بین اصل الزامی استصحاب و اصالة اشتغال نیز تفاوت قائل شد که بحث فعلی، در خصوص استصحاب دال بر الزام است.

در این موارد که خبر دال بر ترخیص با اصل دال بر الزام تعارض دارد، پرسش این است که آیا تفاوتی میان دو مبنای اعتبار خبر (دلیل حجیت یا علم اجمالی) وجود دارد یا خیر؟ در جواب باید چنین گفت:

الف. اگر حجیت خبر ترخیصی با دلیل حجیت ثابت شود:

در این صورت، خبر ترخیصی، حجت شرعی است و بر اصل عملی الزامی (استصحاب) مقدم می شود (وروداً یا حکومۀ). نتیجه، عمل به ترخیص است.

ب. اگر بخواهیم به خبرِ ترخیصی از باب علم اجمالی عمل کنیم:

این فرض محل بحث اصلی است. در این فرض ابتدا باید دید دلیل حجیت خود استصحاب چیست؟ [آیا دلیل آن قطعی است مثل بناء عقلاء یا دلیل حجیت استصحاب نیز خبر واحدی است که لزوم عمل به آن از باب علم اجمالی به الزامات ثابت شده است؟]

بحث در جایی است که دلیل استصحاب، خبر واحدی باشد که لزوم عمل به آن از باب علم اجمالی به الزامات ثابت شده است.

در این فرض، در برابر این استصحاب الزامی منجز - به دلیل اینکه طرف علم اجمالی منجر است - نیازمند یک دلیل مرخص مؤمن (دلیلی که به استناد آن بتوان با اطمینان از عقاب، الزام را کنار گذاشت) هستیم و باید دید آیا چنین مؤمنی وجود دارد یا خیر؟

این دلیل مرخص سه چیز می تواند باشد:

۱. خبر واحد دال بر ترخیص - یعنی همین خبر ترخیصی مورد بحث که فرض بر این است که حجیت آن، با دلیل حجیت اثبات نشده است؛ بلکه از باب علم اجمالی است.

سوال این است که آیا می توان با استناد به علم اجمالی به وجود ترخیصات صادق، به این خبر ترخیصی عمل کرد و استصحاب الزامی را کنار گذاشت؟ پاسخ منفی است؛ زیرا چنانکه مکرراً گفته شد، علم اجمالی در دایره ترخیصات، منجز نیست و توان معارضه با الزام منجز ناشی از علم اجمالی به الزامات - که پشتوانه استصحاب است - را ندارد. عمل به این خبر ترخیصی در مقابل استصحاب الزامی، مؤمن از عقاب نیست.

۲. اصل برائت عقلیه (قبیح عقاب بلا بیان)

آیا برائت عقلی می تواند دلیل مرخص در برابر استصحاب الزامی باشد؟ پاسخ منفی است؛ زیرا قاعده قبیح عقاب بلا بیان در جایی جاری می شود که بیانی بر تکلیف وجود نداشته باشد، در حالی که استصحاب، خود نوعی بیان و حجت بر حکم ظاهری است. بنابراین، با وجود استصحاب (بیان)، موضوعی برای جریان برائت عقلی باقی نمی ماند.

۳. برائت شرعیه

اگر دلیل مرخص ما برائت شرعیه باشد، باید دید دلیل اثبات خود برائت شرعیه چیست؟ بررسی این قسم نیازمند دقت بیشتری است زیرا شقوق آن متعدد و متداخل اند.

دلیل اثبات برائت شرعیه می تواند یکی از دو مورد باشد:

الف. خبر واحد، مانند «حدیث رفع» یا روایاتی نظیر «كُلُّ شَيْءٍ مُّطْلَقٌ حَتَّى يَرِدَ فِيهِ نَهْيٌ»^۱.

ب. دلیل قطعی، مانند آیات قرآن کریم: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ»^۱؛ یا «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»^۲.

اگر دلیل برائت شرعیه، خبر واحد باشد - و لزوم عمل به آن، از باب علم اجمالی ثابت شود که فرض چنین است - همان اشکال سابق پیش می آید؛ یعنی علم اجمالی به ترخیصات منجز نیست و لذا چنین دلیلی توان معارضه با استصحاب الزامی را ندارد. این تحلیل مبتنی بر تفکیکی است که پیش تر بیان شد: علم اجمالی در دایره الزامیات منجز است، اما در دایره ترخیصات منجز نیست. بنابراین، اگر دلیل اثبات کننده برائت شرعیه، خبر واحدی باشد که حجیتش را از راه علم اجمالی (غیر منجز در ترخیصات) کسب کرده باشد، این برائت شرعیه توان معارضه با استصحاب الزامی را نخواهد داشت. اینکه شهید صدر رحمته الله علیه قبل از ابتدای ورود به این بحث، علم اجمالی را به دو قسم علم اجمالی در دایره الزامیات و دایره ترخیصیات تقسیم کردند و فرمودند که علم اجمالی در دایره ترخیصیات تنجیز ندارد، برای روشن شدن چنین مواردی بود. اگر دلیل برائت شرعیه، دلیل قطعی باشد - مانند آیه قرآن - باشد، این فرض، داخل در بحث بعدی خواهد بود که بحث از نسبت بین خبری که لزوم عمل به آن به وسیله علم اجمالی ثابت شده با عمومات و اطلاقات فوقانی است؛ در حالی که بحث کنونی، در فرض تعارض خبر واحد و اصول عملیه است. تفصیل این بحث که تعارض میان اصل عملی و عام فوقانی چگونه حل می شود، به مباحث آینده موکول می گردد.

اما اجمالاً ایشان می فرمایند که در این تعارض، عام فوقانی ترخیصی (دلیل قطعی برائت) بر اصل عملی الزامی (استصحاب) مقدم می شود.

سؤالی که مطرح می شود این است که چگونه یک دلیل ترخیصی (برائت) بر یک اصل یا دلیل الزامی (استصحاب) مقدم می گردد؟

پاسخ این است که تقدیم دلیل برائت (که با آیه قطعی ثابت شده) بر استصحاب، از باب تعارض و تقدیم برائت بر استصحاب نیست تا این اشکال پیش بیاید که برائت، نمی تواند در مقابل استصحاب، دوام بیاورد به دلیل اینکه استصحاب، موضوع برائت - که شک است - را منتفی می کند؛ بلکه از باب تعارض دلیل استصحاب و دلیل برائت و تقدیم دلیل برائت بر دلیل استصحاب است؛ زیرا دلیل برائت - مانند آیه قطعی - دو مدلول دارد: مدلول مطابقی و مدلول التزامی. مدلول مطابقی دلیل برائت، اثبات خود برائت - یعنی ترخیص در فرض شک - است؛ اما مدلول التزامی آن، بطلان استصحاب حکم مخالف است.

توضیحات بیشتر در جلسات آینده خواهد آمد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

۱. «چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد [و ایمان آوردند]، گمراه [و مجازات] کند؛ مگر آنکه اموری را که باید از آن پرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند)». سوره توبه: ۱۱۵.

۲. «ما هرگز [قومی را] مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم [تا وظایفشان را بیان کند]». سوره اسراء: ۱۵.